

| معرفی کتاب «تن تن و سندباد»

# مچ اندازی افراسیاب با بتمن



● عنوان: **تن تن و سندباد**

● گزیده و ویراسته: **محمد میرکیانی**

● ناشر: **انتشارات قدیانی**

● تعداد صفحات: **۱۶۰**

● توضیحات:

«تن تن و سندباد» را می‌توان یک کتاب استراتژیک در حوزه ادبیات نوجوان دانست. هدف نویسنده از خلق چنین داستانی، پرداخت استعاره‌ای و غیرمستقیم به مسئله «تهاجم فرهنگی» غرب به شرق است.

اگر بتمن و افراسیاب با هم مچ بیندازند، کدامشان برنده می‌شود؟ یا تیر آرش کمان‌گیر زودتر به هدف می‌خورد یا تارهای مرد عنکبوتی؟ یا اگر قرار به کله‌پا کردن یک تبهکار باشد، پوریای ولی موفق‌تر خواهد بود یا سوپرمن؟ کتاب «تن‌تن و سندباد» یک جورهایی داستان همین فکرهای عجیب‌غریب است.

### **داستان تقابل مشرق‌زمین با سرزمین غرب**

تا حالا شده فکرهای عجیب‌غریب بیاید سراغتان؟ مثلاً وسط کلاس ریاضی دستتان را بگذارید زیر چانه‌تان و درحالی‌که معلم دارد درس می‌دهد و تأکید هم می‌کند این بخش توی امتحان می‌آید، این فکر سمج توی سرتان



چرخ بخورد و ولتان نکند که اگر بتمن و افراسیاب با هم  
مچ بیندازند، کدامشان برنده می‌شود؟ یا مثلاً تیر آرش  
کمان‌گیر زودتر به هدف می‌خورد یا تارهای مرد عنکبوتی؟  
یا مثلاً اگر قرار به کله‌پا کردن یک تبهکار باشد، پوریای ولی  
موفق‌تر خواهد بود یا سوپرمن؟

نیازی نیست کل کلاس ریاضی دستتان را زیر چانه نگه  
دارید و مسابقه مچ انداختن بتمن و افراسیاب را با داوری  
و گزارش هم‌زمان خودتان، از اول تا آخر تصور کنید و  
آخرش هم سر امتحان ریاضی مجبور شوید دست‌به‌دامن  
همه مقدسات شوید. صبر کنید تا کلاس ریاضی تمام  
شود و بروید هر طور شده کتاب «تن‌تن و سندباد» را

گیر بیاورید. می‌پرسید چه ربطی دارد؟ خب باید بهتان بگویم «تن‌تن و سندباد» یک جورهایی داستان همان فکرهای عجیب‌غریب کلاس ریاضی است. البته انتظار نداشته باشید که در کتاب، آرش کمان‌گیر و مرد عنکبوتی مسابقه «کی از همه دقیق‌تره؟» راه بیندازند، اما کتاب محمد میرکیانی، داستان نبردی طولانی و پرماجرا بین قهرمانان مشرق‌زمین و مغرب‌زمین است.

### **نمی‌گذاریم قصه‌هایمان را مالِ خود کنید**

تن‌تن، کاپیتان هادوک، میلو و پروفیسور که قصه‌هایشان در سرزمین غرب ته کشیده، سوار کشتی مجهزشان می‌شوند و راه سرزمین شرق را در پیش

می‌گیرند. آن‌ها می‌خواهند هرطور شده به سرزمین قصه‌های شرق راه پیدا کنند و قصه‌های شرق را از سرزمینشان جدا کنند و به غرب ببرند؛ اما مگر این کار به همین راحتی است و قهرمانان شرق می‌نشینند یک گوشه و به همین راحتی اجازه می‌دهند غریبه‌ها قصه‌هایشان را بردارند و ببرند؟ درست حدس زدید، اینجا داستان است که مچ انداختن‌ها آغاز می‌شود. سندباد، علی‌بابا، علاءالدین و غول چراغ جادو، نخودی و پهلوان پنبه که از هدف تن‌تن و دوستانش باخبر شده‌اند، به فرماندهی سندباد یک تیم قدرتمند تشکیل می‌دهند و با تمام قوا شروع به دفاع از قصه‌هایشان



می‌کنند. این نبرد پرهیجان از دریا شروع می‌شود و تا کویر ادامه پیدا می‌کند. در پیچ‌وتاب داستان، سوپرمن با قدرت پروازش به کمک تن‌تن می‌آید، کینگ کونگ گوریل وارد داستان می‌شود و سروکله تارزان نیز از سرزمین غرب برای نجات دوستانش پیدا می‌شود.

### ما با شما متفاوتیم

اگر کمی عمیق‌تر به «تن‌تن و سندباد» نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که این داستان فقط یک ماجرای بامزه و هیجان‌انگیز از تعقیب‌و‌گریز اسم‌های آشنایی که قبلاً آن‌ها را شنیده‌ایم و با آن‌ها خاطره داریم نیست، بلکه قصه پرغصه قهرمان‌های شرقی است که در میان

هیاهوی قهرمان‌های غربی اسم‌هایشان کم‌کم دارد از یادمان می‌رود؛ قهرمان‌هایی که گرچه می‌توانستند هر مچی را بخوابانند، اما قدرت اصلی‌شان جوانمردی‌شان بود.

«تن‌تن و سندباد» را بخوانید اگر سر کلاس ریاضی فکرهای عجیب‌غریب به سراغتان می‌آید، اگر دلتان می‌خواهد یک قصه پرماجرا از قهرمان‌های مشرق‌زمین بشوید و اگر دلتان می‌خواهد افراسیاب، مچ بتمن را بخواباند.